

# تصویر خبری انقلاب اسلامی ایران در جهان

کاظم معتمدنژاد



«اکسپرس» و «نول اوبسرواتور» نیز طرف توجه قرار گرفته اند.

در مورد اخبار رادیویی و تلویزیونی سه کشور مذکور درباره انقلاب اسلامی ایران، به سبب عدم دسترسی مستقیم به نوارهای صوتی و تصویری آنها، در شرایط کنونی تنها از بررسیهای پراکنده‌ای که از طرف برخی از محققان غربی در این زمینه صورت گرفته اند، می توان استفاده کرد. دسترسی به اخبار خبرگزاریهای بین المللی غرب هم در این مورد، اگر چه ساده تر به نظر می رسد، اما به زمان طولانی و امکانات مالی وسیع نیازمند است. به همین جهت باتوجه به امکانات موجود و سهولت استفاده از دوره های روزنامه ها و مجله های مورد نظر، در کتابخانه و مرکز اسناد انستیتوی مطبوعات و علوم خبری دانشگاه پاریس و چند کتابخانه و آرشیو دیگر، برنامه پژوهشی مربوط به پوشش خبری انقلاب اسلامی ایران، درباره مندرجات مطبوعات دنبال می شود و در این میان هم، در مرحله فملى، دو روزنامه «لوموند» و «اینتر نشنال هرالد تریبون» مورد بررسی می باشند.

تاکنون، علاوه بر کار تجزیه و تحلیل خبرها و مقاله های مربوط به انقلاب ایران در دو روزنامه «لوموند» و «اینتر نشنال هرالد تریبون» که به صورت فیش نویسی دنبال شده کار جمع آوری کتابها و مقاله هایی که به زبانهای انگلیسی و فرانسه راجع به طرز برخورد و وسایل ارتباط جمعی غرب در مورد انقلاب اسلامی ایران منتشر شده اند، نیز ادامه

آن با انقلاب اسلامی ایران، سوابق تاریخی انگلستان در قبال ایران و موقعیت کنونی آن در صحنه سیاست جهانی و نیز وضع خاص فرانسه در آخرین هفته های پیش از پیروزی انقلاب و همچنین سلطه جهانی زبان انگلیسی و اهمیت بین المللی زبان فرانسه، مطبوعات انگلیسی زبان و فرانسه زبان مورد نظر قرار گرفته اند. در میان مطبوعات روزانه آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی، یک روزنامه آمریکایی، یک روزنامه انگلیسی و یک روزنامه فرانسوی، شامل «اینتر نشنال هرالد تریبون»، «گاردین» و «لوموند» که هر کدام از آنها دارای موقعیت خاصی می باشند، برگزیده شده اند. روزنامه «اینتر نشنال هرالد تریبون» از طرف دو روزنامه آمریکایی معروف، «نیویورک تایمز» و «واشنگتن پست» در پاریس منتشر می شود. بنا بر این علاوه بر آن که اکثر اخبار و مقاله های مهم بین المللی این دو روزنامه را در بردارد، به سبب انتشار روزانه در اروپا، با روزنامه های مشابه خود در ممالک اروپایی و اثر آن جمله دو روزنامه انتخابی دیگر مخصوصاً «لوموند» هماهنگیها و نیز رقابتهایی به عمل می آورد. «گاردین» و «لوموند» هم در میان روزنامه های انگلیسی و فرانسوی، معمولاً و زبیرترین روزنامه های خبری محسوب می شوند. علاوه بر سه روزنامه مذکور، بررسی اخبار و مقاله های دو مجله هفتگی آمریکایی «تایم» و «نیویورک» و مجله هفتگی انگلیسی «اکنومیسیت» و دو مجله هفتگی فرانسوی

انعکاس مفرضانه اخبار انقلاب اسلامی ایران در وسایل ارتباط جمعی غرب، از مهمترین عکس العملهای امپریالیسم جهانی در برابر شکست سیاستهای نواستعماری و سقوط رژیم دیکتاتوری وابسته به آن، به شمار می رود. به همین جهت، بررسی طرز پوشش اخبار مربوط به انقلاب اسلامی ایران و انعکاس تصویر این انقلاب در ارتباطات جمعی غربی از اهمیت فراوان برخوردار است. پژوهش در این زمینه با همکاری دانشجویان «انستیتوی مطبوعات و علوم خبری» دانشگاه پاریس دنبال شده است. زمینه اصلی این تحقیق، بررسی و تجزیه و تحلیل اخبار انقلاب اسلامی ایران در وسایل ارتباط جمعی غرب، از آغاز انقلاب در زمستان ۱۳۵۶ (ژانویه ۱۹۷۸) تا آغاز پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب در زمستان ۱۳۶۱ (فوریه ۱۹۸۳) در نظر گرفته شده است و برای این دوره پنج ساله، باتوجه به سراحل مختلف انقلاب اسلامی، زمانبندی و نیز طبقه بندی خاصی پیش بینی شده است. هدف نهایی این برنامه وسیع پژوهشی، آن است که محتوای مهمترین روزنامه ها و مجله های خبری غرب و نیز تا حد امکان محتوای اخبار رادیویی-تلویزیونی فرستنده ها و شبکه های بزرگ غربی و حتی در صورت امکان، اخبار خبرگزاریهای جهانی غرب در مورد انقلاب ایران بررسی شوند و شیوه های برخورد آنان با این انقلاب مشخص شود. در انتخاب روزنامه های مالک غربی، باتوجه به برتری جهانی امپریالیسم آمریکا و مقابله آشکار

ته است و بر مبنای آنها یک مقدمه کلی دربارهٔ بربر جهانی انقلاب تهیه شده و خلاصه آن ضمن سخنرانی در دورهٔ دکترای علوم ارتباطات دانشگاه ریس<sup>۱</sup> و نیز در یک کنفرانس جهانی «انجمن المللی ارتباطات جمعی» که در تابستان ۱۳۶۳ پراگ ترتیب یافت، ارائه شده است:

### تجزیه و تحلیل محتوای روزنامه‌های لوموند» و «اینترنشنال هرالد تریبون»:

استخراج خبرها و مقاله‌های روزنامه‌های لوموند» و «اینترنشنال هرالد تریبون»، در مورد انقلاب اسلامی ایران، براساس طرح و طبقه‌بندی شخصی و با توجه به تحقیقات بین‌المللی سالهای اخیر یونسکو در این گونه‌ها، انجام می‌شود. بدین منظور ابتدا هر شمارهٔ روزنامه دقیقاً بررسی مطالب آن دربارهٔ انقلاب مشخص می‌شوند و سپس ویژگیهای هر خبر و مقاله، از خبر خلاصه چند سطری تا مقاله و گزارش چند ستونی و گاهی مطلب چند صفحه‌ای، بر روی فیشهای مخصوص ستون‌بندی شده، ثبت می‌شوند. در فیشها به ترتیب، تاریخ انتشار روزنامه، عنوان کامل خبر و مقاله، نوع خبر و مقاله (محل تهیه، منشأ و مأخذ، نویسنده، خبرنگار یا نمایندهٔ اعزامی و نوع روزنامه‌ای: خبر، مصاحبه، گزارش)، جای انتشار در روزنامه (شمارهٔ صفحه، محل صفحه، بالا، پایین، وسط، راست، یا چپ، ستون یا صفحهٔ اختصاصی و مطالب اطراف آن، تعداد کلمات صفحات روزنامه) و اندازهٔ خبر و مقاله (تعداد ستون، سطح زیر چاپ به ستون، سانسبتر، تعداد سطرها، در مورد خبرهای خلاصهٔ چند سطری، و طول و عرض عنوانها، یا در نظر گرفتن تعداد ستونها و تعداد سطرهای هر

کدام)، منعکس شده در کنار آنها، ویژگیهای استثنایی برخی از اخبار و مقاله‌ها، که در سندهای معمولی انعکاس نمی‌یابند، نیز در ستون مخصوصی درج می‌شوند.

با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده در این فیشها، می‌توان طبقه‌بندیهای موضوعی گوناگونی را دنبال کرد، خصوصیات کمی اخبار و مقاله‌ها را مورد مقایسه و بررسی قرار داد و فراوانی و تکرار مطالب و موضوعها و مضمونها را مشخص ساخت و با توجه به ارزش‌گذاری و برجسته‌سازی مطالب مختلف در صفحات و ستونها و بجایهای خاص هر صفحه و ستون و ویژگی و کوچکی عنوانها، روش کلی روزنامه‌ها را در برخورد با اخبار انقلاب اسلامی ایران تعیین کرد. بدیهی است که اطلاعات به دست آمده در نخستین مرحله، برای تجزیه و تحلیل کسی مطالب، مورد استفاده قرار می‌گیرند و در مرحلهٔ بعدی برای تجزیه و تحلیل کیفی آنها، با توجه به فیشهای تهیه شده و مراجعه مستقیم به متنهای مندرج در روزنامه‌ها، می‌توان به تناسب نوع و هدف چنین تجزیه و تحلیلی، اطلاعات و مشخصات لازم را به دست آورد.

اکثرن به سبب فراهم نبودن امکانات مالی، بهره‌برداری از انبوه اطلاعات جمع‌آوری شده در این فیشها، در قالب یک طرح وسیع تجزیه و تحلیل محتوا ميسر نیست و بدین منظور باید از بودجهٔ خاص، دستگاههای کامپیوتر و همکاری منظم چند محقق برخوردار بود. به همین جهت، بیشتر طرحهای محدود که با نمونه‌گیریهای کوچک برای یک مرحلهٔ زمانی کوتاه مدت و یا با در نظر گرفتن روزهای مهم تاریخی در مراحل مختلف انقلاب، قابل تحقق باشند، طرف توجهند و اولین نمونهٔ کاربرد فیشهای مذکور، در همین مورد اخیر برای تجزیه و تحلیل پوشش خبری انقلاب اسلامی ایران، صورت خواهد یافت.

### ب - مقدمه‌ای در زمینهٔ تصویر جهانی انقلاب اسلامی ایران

از همان آغاز برنامهٔ بررسی و تجزیه و تحلیل اخبار انقلاب اسلامی ایران در وسایل ارتباط جمعی غرب، به موازات فیش برداری از مسدودات مضوعات، یک مطالعهٔ کلی مقدماتی هم در این زمینه دنبال شد. هدف این مطالعه کلی آن بود که در این مورد نیز مانند هر کار تحقیقی، یک مقدمهٔ تحلیلی فراهم شود و ضمن آن هدفها و روشهای تحقیق و منابع و مأخذ علمی و پژوهشهای مشابه قابل استفاده مشخص شوند. بدین منظور، از یک طرف

برای شناخت دیدگاههای مختلف در این باره، به جمع‌آوری و بررسی گنتها و مقاله‌هایی که طی آنها ضرر پوشش خبری انقلاب اسلامی ایران در ارتباطات جمعی غرب انعکاس یافته بود، اقدام شد و از طرف دیگر با در نظر گرفتن آنکه عکس‌المطله‌های وسایل ارتباط جمعی آمریکایی و اروپایی در مورد انقلاب اسلامی ایران، ناشی از شرایط خاص تاریخی و اوضاع و احوال منطقه‌گری جهانی و از جمله شیوه‌های نو استعماری و امپریالیستی برای مقابله با مبارزات ملل جهان سوم به شمار می‌رود، به بررسی ریشه‌ها و سابقه‌های این گونه عکس‌المطله و روندها و شیوه‌های کنونی امپریالیسم خبری در این زمینه نیز توجه شد.

برای جمع‌آوری کتابها و مقاله‌ها، گزارشها و نیز بعضی رساله‌ها و بررسی سخنرانیهایی که از دورهٔ پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در مورد چگونگی پوشش خبری انقلاب در وسایل ارتباط جمعی غرب، انتشار یافته‌اند، از تمام امکاناتی که در مراکز اسناد و کتابخانه‌های دانشگاهی و عمومی مهم فرانسه وجود دارند، استفاده شد. در این باره، علاوه بر منابع و مأخذ طبقه‌بندی شدهٔ مراکز اسناد و کتابخانه‌ها، فهرست نامه‌های دوره‌ای و چکیده نامه‌های مختلفی که از طرف مراکز معروف مأخذیابیهای علمی در ممالک غربی و نیز بعضی کشورهای جهان سوم انتشار می‌یابند، نیز بررسی شدند و به دنبال آن، دهها نشریهٔ دوره‌ای تخصصی، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها و سالنامه‌ها، که در کشورهای گوناگون انتشار می‌یابند، مورد مراجعه قرار گرفتند و در مواردی برای استفاده از برخی منابع غیرقابل دسترس و مخصوصاً تهیه بعضی از کتابها و مقاله‌ها، از دوستان و همکاران دانشگاهی در شهرها و کشورهای دیگر نیز کمک گرفته شد.

در زمینهٔ سوابق تاریخی و مشخصات کنونی امپریالیسم خبری، با استفاده از مطالعات شخصی سالهای اخیر راجع به ارتباطات بین‌المللی و مخصوصاً ارتباطات جمعی در جهان سوم و آشنایی با منابع و مأخذ مهم مربوط به آنها، کتابها و مقاله‌ها و گزارشهای پژوهشی فراوانی، که بررسیهای انتقادی تازه‌ای دربارهٔ نابرابری ارتباطات میان کشورهای پیشرفتهٔ غربی و ممالک جهان سوم و عدم تعادل جریان اطلاعات بین کشورهای بزرگ سلطه‌گر و ممالک عقب‌مانده در بردارند، مورد مراجعه قرار گرفتند. بدین ترتیب، با مراجعه به مطالعات و تحقیقات جدید بسیاری از محققان جهان سوم و بعضی از پژوهشگران انتقادگر کشورهای

سیاست «جریان جهانی آزاد اطلاعات»، به خبرنگارهایها امکان می‌دهد که معیارهای تشخیص اهمیت خبر را در دست داشته باشند و بدین طریق، خبرنگارهای بزرگ داوران تعیین‌کننده واقعیت‌های موجود جهانی می‌شوند.

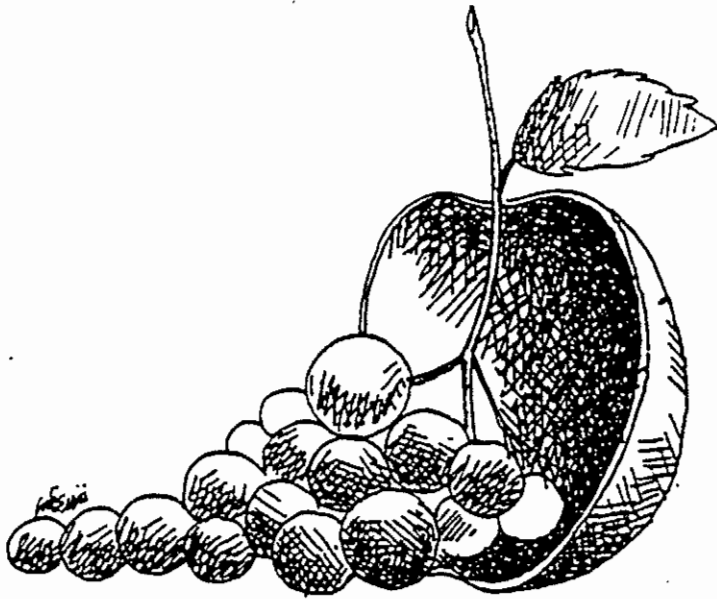
ریسی، در مورد عدم تعادل جریان جهانی  
تلاعات- که پوشش وانعکاس یک جهتی اخذ  
تغیلات اسلامی ایران از تازه ترین و منحصر  
نمونه های آن است- دیدگاهها و روشهای پژوهشی  
نوناگونی طرف توجه واقع شدند که در تحقیق  
داری مورد استفاده قرار می گیرند.

بنابراین، در مطالعه کلی مقدماتی راجع به طرز  
پوشش خبری و تصویر انقلاب اسلامی ایران در  
وسائل ارتباط جمعی غرب، بخشهای زیر در نظر  
گرفته شده اند:

## ۱- ریشه های تاریخی و شیوه های استعماری تحقیرگری و تصویرسازی غربی

بررسیها و مطالعات مختلف نشان می دهند که  
برخوردهای مغرضانه و دیدگاههای غرب مدارانه  
وسائل ارتباط جمعی آمریکایی و اروپایی ریشه های  
تاریخی بسیار طولانی دارند. به طوری که از (آغاز  
تختین برخوردارهای کشورهای شرق و ممالک غرب  
تا دوره معاصر، در تاریخ نگاریها و سفرنامه ها  
و کتابهای دیگر اروپاییان، نمونه های گوناگونی از  
تحقیر شرقیها و آسیایها و مسلمانان و بزرگ نمایی  
غربیها و اروپاییها مشاهده می شود.) تاریخ هردوت  
و تراژدی «اشیل» یونانی درباره ایرانیان، کتابهای  
مختلف اروپایی راجع به اسلام چه در دوره قرون  
وسطا چه در دوره های جدید و معاصر، سفرنامه های  
اروپاییان درباره ملل شرقی و اسلامی و از آن جمله  
ایران، نمایانگر چنین برخوردهایی می باشند.

تصویرهایی از استبداد و خشونت شرقی که در  
مورد جنگهای ایران و یونان و مقابله مسلمانان با  
تهاجمهای اروپاییان در جنگهای صلیبی، در آثار  
تاریخی اروپایی نوشته های مستشرقان منعکس  
شده اند و نیز داستان پردازیها و شگفت انگیزیهای  
سیاحت و نویسندگان اروپایی راجع به شرق و اسلام  
و ایران که در سفرنامه ها و کتابهای متنوع اروپایی  
دیده می شوند همه در کتابهای درسی کشورهای  
غربی بازتاب یافته اند، برای اروپاییها و آمریکاییها  
سوابق ذهنی خاصی در مورد ممالک جهان سوم  
و مخصوصاً کشورهای اسلامی فراهم ساخته اند.  
شیوه های برخورد قوم مدارانه غربی و نسبت دادن  
روشهای رفتاری اعجاب آمیز و هیجانی به ملل دیگر،  
که هم اکنون در وسائل ارتباط جمعی کشورهای  
غربی خودنمایی می کند از گذشته ریشه گرفته اند  
در این مورد اظهار نظر «ماکس وبر» فیلسوف  
و جامعه شناس مشهور آلمانی که در یکی از آثار  
خویش درباره تئوری علم از شکست ایرانیان در  
برابریونانیان، به عنوان یک حسن تصادف تاریخی



نام می برد و آن راباعث نجات بشریت از استیلای  
استبداد شرقی و برخوردای انسان از اندیشه  
و فرهنگ یونانی و در نتیجه خردگرایی غربی معرفی  
می کند، درخور توجه است. <sup>۱</sup> سبک بیان هیجان آور  
«مونتسکیو» فیلسوف آزادی گرای فرانسوی، در  
کتاب نامه های ایرانی او راجع به شگفتی پارسیها  
از دیدن دو مسافر ایرانی که با لباسهای خاص  
شرقی خود به فرانسه رفته اند و شگفتی بیشتر آنها از  
این که روزی یکی از این مسافران ربا لباسهای  
عادی اروپایی می بینند و با تعجب از او  
می پرسند، «چگونه می توان ایرانی بود؟» نمونه  
دیگری از طرز تلقی و برخورد غربیها در این زمینه  
می باشد. پرسش شگفت انگیزی که «مونتسکیو» در  
اوایل قرن هجدهم، از زبان پارسیها در برابر وضع  
غیرقابل انتظار ایرانیها در کتاب خویش مطرح کرده  
است، در برخورد اخیر غرب با انقلاب اسلامی  
ایران، که برای آنها غیرقابل تصور می نمود، نیز  
مصداق یافت. به همین لحاظ در بررسیهایی که  
بعضی از محققان و جامعه شناسان فرانسوی پس از  
پیروزی انقلاب در انتقاد از برخوردهای سطحی،  
یک جهتی و هیجان آمیز اکثر وسائل ارتباط جمعی  
نست به این انقلاب مطرح می ساختند، به صورت  
کنایه آمیز، به پرسش مذکور اشاره می گردید.

صرف نظر از عکس العملهای یاد شده، که از  
برخوردهای فکری و رفتاری تاریخی غرب نسبت به  
شرق سرچشمه گرفته است، سلطه استعماری چند  
قرن اخیر امپراتوریهای بزرگ غربی بر سرزمینهای  
آسیایی و آفریقایی نیز شیوه های تحقیرگرانه مضاعفی  
در این زمینه پدید آورده است. استعمارگران

مستقیم از طریق حملات نظامی، و یا بطور غیر  
مستقیم با اعزام هیئتهای مذهبی و فرهنگی  
و سوداگران تجاری، بر سرزمینهای دیگر جهان تسلط  
پیدا کردند (از همان آغاز، تجاوزهای سلطه گرانه  
خویش را به عنوان نوعی مأموریت «تمدن»  
گسری، برای نجات بشریت از «توحش» معرفی  
می کردند). به همین جهت برای حفظ و توسعه سلطه  
خود، فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم ملی سرزمینهای  
تحت استعمار را تحقیر، و با قرار دادن «تمدن»، در  
برابر «وحشی» و «غربی» در مقابل «شرقی» و یا  
«اروپایی» در برابر «بومی»، سروری و برتری  
خویش را توجیه می کردند. از نیمه دوم قرن بیستم،  
پس از شروع و گسترش جنبشهای استعمارزدایی  
و استقلال سیاسی مستعمرات سابق، شیوه های  
تحقیرکننده قبلی از طریق تصویرسازیهای  
قلوب کنند، زیر عنوانهای  
«پیشرفته» و «عقب مانده»، «توسعه یافته» و  
«توسعه نیافته»، «صنعتی» و «غصتی» و نظایر آنها  
دنبال شده اند و تردیدی نیست که وسایل ارتباط  
جمعی در ایجاد این تصویرهای غیرواقعی، نقش  
قاطعی به عهده داشته اند.

## ۲- امپریالیسم خبری و تحریف واقعیتها

برای تحقیق درباره طرز برخورد وسائل ارتباط  
جمعی غرب با انقلاب اسلامی ایران، مطالعه در  
مورد ماهیت نظام ارتباطی قدرتهای بزرگ سلطه گر  
و طرز عمل مؤسسات ارتباطی و شبکه های مهم خبری  
آنها، ضروری است. به همین سبب بررسیهای  
انتقادی مختلفی که پس از جنگ جهانی دوم  
و مخصوصاً در سالهای اخیر از طرف بعضی از

مقان و جامعه‌شناسان غربی در این باره صورت گرفته اند. مورد توجه خاص واقع شده اند.

به صورت کلی، نظریات تندوی، راجع به ماهیت و وسایل و سبب ارتباط جمعی در کشورهای پایه داری غربی، بر دگرگونی نقشهای اجتماعی و وسایل و تبدیل آنها به مؤسسات تجارتي جویانه تأکید می کنند. به موجب این نظریات، مؤسسات، که نخستین وسیله ارتباطی جدید جوامع بیسی محسوب می شوند و در دوران انقلابهای «مؤکراتیک» اواخر قرن هجدهم نقش سیاسی اساسی در مبارزه علیه نظامهای استبدادی به عهده می آید. از اواسط قرن نوزدهم تحت تأثیر تحول تکامل سرمایه داری و رواج آگهیهای تجارتي، جنبه های سیاسی و مسلکی خود را از دست می دهند و به صورت روزنامه های خبری درآمدند. از آن پس، مطبوعات و مدتی بعد با پیدایش و گسترش پینسارادیو و تلوویزیون - تمام وسایل جدید ارتباط جمعی، تحت سلطه مستقیم و غیرمستقیم سرمایه داران قرار گرفتند و با وجود آنکه توقع قبلی مردم در مورد وظائف اجتماعی معروف این وسایل در زمینه های خبری، آموزشی و راهنمایی افکار عمومی بر جا مانده بود و همچنان از آنها به عنوان «رکن چهارم دموکراسی» سخن گفته می شد، اما در عمل، سلطه روزافزون مؤسسات تجاری بر مطبوعات و صنایع فیلمسازی و فرستنده های رادیویی تلوویزیونی، ماهیت وسایل ارتباط جمعی دگرگون شد و نقش اجتماعی آنها، در برابر ضرورت های بقعت جویانه فعالیت های تجاری خشی شد.

بر اثر این دگرگونی، نه تنها شرایط و شیوه های اداره مؤسسات، با مؤسسات معمولی سوداگری به صورت یکدیگر خشی درآمدند، بلکه اصول حرفه ای و شیوه ها و سبکهای روزنامه نگاری نیز با آن هماهنگ شدند. به طوری که موجودیت مؤسسه های ارتباط جمعی، تحت تأثیر منافع و مصالح جوامع سرمایه داری، و ضرورت فروش هرچه بیشتر کالاها و خدمات خصوصی و ترویج روحیه مصرف گرایی، به آگهیهای تجارتي وابستگی یافت و تکیه بر نقشهای اجتماعی کلاسیک این وسایل به شکل یک فریکاری کاسب مآبانه درآمد. بدین ترتیب، طبق عقاید برخی از محققان انتقادگر معاصر، به موازات گسترش مؤسسه های تخصصی آگهیهای تجارتي، حرفه روزنامه نگاری هم زیر سرپوش آرمانهای آزادی گریانه دوران «انقلابهای دموکراتیک» غربی در مورد آزادی مطبوعات و حمایت ظاهری از اصول پرجاذبه آزادی و استقلال و بی طرفی روزنامه نگاری و ترویج سبک روزنامه نگاری واقع گرا، اساس فعالیت خود را بر تهیه و تولید کالاها های خبری یکدمت و یکخواخت استوار ساخت و به جای ایفای وظائف اجتماعی قبلی جهت بالا بردن آگاهیهای سیاسی و نظارت بر فعالیتهای حکومتی، ارائه کالاها های خبری را در کنار آگهیهای تجارتي و مطالب سرگرم کننده مکمل آنها، به عهده گرفت. به عبارت دیگر، وسایل ارتباط جمعی کشورهای غربی از یک طرف، تحت تأثیر نیازهای فوری صاحبان سرمایه دار آگهیها، در خدمت مستقیم منافع سوداگران قرار گرفتند و از

طرف دیگر، در شرایط خاص استقرار نظام سرمایه داری، با کمک به ترویج فرهنگ مصرفی، توسعه سرگرمیهای عمومی و ایجاد سازگاری سیاسی، به ضرر غیرمستقیم در زمره عوامل حفظ و تثبیت این نظام حاکم درآمدند.

نظریات جامعه‌شناسان انتقادگر غربی در تجزیه و تحلیل عملکردهای کنونی وسایل ارتباط جمعی در جوامع سرمایه داری را می توان به دو دسته مهم تقسیم کرد:

بعضی از انتقادگران مانند «تئودور آدورنو» فیلسوف و جامعه‌شناس معروف «مکتب فرانکفورت»<sup>۲</sup>، با توجه به تجارتي شدن وسایل ارتباط جمعی، آنها را به عنوان «صنایع فرهنگی»، معرفی می کنند و از محصولات تولیدی این صنایع، که به طور وسیع، به صورت نشریه ها، فیلمها، صفحه ها و نوارهای صوتی و تصویری به بازار عرضه می شوند و در اختیار انبوه بی شمار استفاده کنندگان قرار می گیرند، به نام «فرهنگ توده» سخن می گویند. به عقیده این جامعه‌شناسان، ایجاد و توسعه «صنایع فرهنگی» و گسترش «فرهنگ توده» نقش آگاه کننده و روشنگرانه وسایل ارتباط جمعی را از میان برده است و آنها را به عوامل تخدیر کننده و سازش دهنده با نظام حاکم تبدیل کرده است. به طوری که تحت تأثیر این عوامل، اندیشه ها و رفتارهای اجتماعی عامه مردم نیز تغییر یافته اند، تا جایی که، طبق نظر آنها، «طبقه کارگر» جوامع غربی که قبلاً دارای روحیه مبارزه جویی بود، اکنون مانند کارمندان ادارات و مؤسسه ها، به «صنفا» مصرف کننده تبدیل شده است. در شرایط کنونی، کارمندان «بقه آسی» (منظور بقه لباس کارایی رنگ کارگران است)، مانند کارمندان «بقه سفید» ادارات و مؤسسه ها، به سبب عادت یافتن به ظواهر فریفته زندگی جامعه مصرفی و بهره برداری انفعالی از فرآورده های صنایع فرهنگی، از هرگونه فعالیت دگرگون کننده اجتماعی خودداری می ورزند و از حفظ وضع موجود دفاع می کنند. در چنین شرایطی، گردانندگان وسایل ارتباط جمعی، با توجه به آثار تخدیر کننده و منفعل سازنده و سازش دهنده این وسایل، بیسته تلاش می کنند تا با تهیه و نشر مطالب تحریف شده و سرگرم کننده، واقعیت های مهم اجتماعی را قلب نمایند، ارزشها و معیارهای شخصی را اشاعه دهند و در مورد مسایل مهم منی و بین المللی، آگاهیهای غیرواقعی و قضاوت های سطحی و یک بعدی ایجاد کنند و بدین گونه، با توجه به سیاستهای داخلی و خارجی هیئت حاکمه،



ضایع عمومی» را با برجا نگهدارند و نظام موجود تثبیت کنند.

- برخی دیگر از انتقادگران شریبی همچون «مونی آلتوسر» فیلسوف معاصر فرانسوی به جای آنکه بر کاربردهای منفی وسایل ارتباط جمعی تأکید بر آثار اجتماعی غیرمستقیم فعالیت‌های تجاری «صنایع فرهنگی»، به ساختارهای اصلی و مابعد سرمایه‌داری توجه دارند و وسایل ارتباطی جدید را جزء ابزارهای اساسی قدرت حاکم به شمار می‌آورند. این صاحب‌نظران، ضمن مطالعه دربارهٔ اختراعات قدرت دولت، «دستگاه‌های سرکوبگر دولت» مانند ارتش و پلیس و سایر نیروهای نظامی، دادگستری و زندانها و نظایر آنها «دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت»، نظیر خانواده، مدارس، دانشگاهها، کلیسا، وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات و سندیکاها و گروه‌های فشار را از هم متمایز و دستگاه‌های ایدئولوژیک و از آن جمله وسایل ارتباط جمعی را عوامل بازآفرینی نیروی انسانی مورد نیاز نظام حاکم، برای استمرار قدرت معرفی می‌کنند. بر مبنای این تحلیل، جامعه‌شناسان غیر، با بررسی تأثیرات متقابل نظام حاکم و وسایل ارتباط جمعی (ساختارها، عملکردهای حرفه‌ای محصولات تولیدی آنها) و دیرینه‌های ذهنی پذیرش‌های فکری افراد دربارهٔ واقعیت‌های اجتماعی، نتیجه می‌گیرند که گردآیندگان نظام حاکم، دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت، مخصوصاً وسایل ارتباط جمعی را به نحوی اداره می‌کنند که قدرت موجود را مشروع و موجه جلوه دهند و با جلب اعتماد عمومی، تداوم آن را حفظ کنند بدین گنج، طبق نظریه‌های این انتقادگران، «دستگاه‌های ایدئولوژیک» از همان آغاز زندگی فرد در خانواده تا مدت تحصیلات عالی او در دانشگاه و سپس در طول زندگی حرفه‌ای وی، مطابق برنامه‌ها و سیاست‌های منظم آموزشی، فرهنگی و سیاسی، واقعیت‌های اجتماعی را به صورت‌های خاص و با توجه به معیارها و ارزش‌های مبین و منافع و مصالح مشخص مورد نظر نظام حاکم، عرضه می‌کنند. تردید نیست که در این روند، وسایل ارتباط جمعی سهم بسیار اساسی به عهده دارند و با ارائه تصویرها و ایجاد تصویرهای مطلوب نظام حاکم، در تأمین مشروعیت و نگهداری این نظام، نقش فاضلی را ایفا می‌نمایند.

در کنار نظریات انتقادی جامعه‌شناسان غربی در زمینه نظام ارتباطات جمعی کشورهای بزرگ سرمایه‌داری، در سالهای اخیر از طرف برخی از

صاحب‌نظران جهان سوم نیز، در مورد نظام جهانی ارتباطات با توجه به روابط سلطه‌گری و وابستگی موجود بین کانون مرکزی سرمایه‌داری و ممالک وابسته پیرامونی، نظریه‌های تازه‌ای بیان شده، که در میان آنها نظریه «خردآن سوماویا» محقق معاصر اهل شیلی، دربارهٔ مآخضار قدرت فراملی ارتباطات، اهمیت خاصی پیدا کرده است. این نظریه ضمن بررسی در مورد مآخضار قدرت امپریالیسم خبری، هدفها و ابزارهای این نظام و شیوه‌های انتخاب اخبار و نیز قلب و تعریف آنها را تشریح می‌کند.

مطابق این نظریه، هدف اصلی نظام خبری فراملی، که شامل خبرگزاریهای بزرگ جهانی می‌شود، آن است که در سراسر جهان ترکیبی از ارزشها و آرمانهای مورد نظر امپریالیسم فراهم شود. به طوری که با استفاده از آنها، ثبات سیاسی (برای دفاع از وضع موجود و حفظ رژیمهای دست‌نشانده)، کارآیی اقتصادی (به منظور رشد و توسعه اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری و گسترش شرکتها، فراملی)، خلاقیت تکنولوژی (برای توسعه صنایع نظامی و تسلیحات)، منطبق بازار (به خاطر تحکیم و توسعه مؤسسه‌های تجاری خصوصی)، مزایای مصرف‌گرایی (برای جهت دادن تولیدات، با در نظر گرفتن مصرف‌تشرهای مرفه، به سوی تشرهای دیگر) و دفاع از آزادی (به منظور قطب‌گرایی غربی، مداخله در امور داخلی کشورهای دارای رژیمهای مترقی و یا متزلزل ساختن آنها) تأمین و تضمین شوند.

برای تیل به اهداف مذکور و انتقال ارزشها و شیوه‌های زندگی جوامع مصرفی به جهان سوم، ابزارهای مختلفی وجود دارند که مهم‌ترین آنها، شامل سرویس‌های سیاسی-اطلاعاتی و اتحادیه‌های نظامی، سازمانهای اقتصادی-بازرگانی (مانند بانک جهانی) و سرویس‌های ارتباطی، تبلیغاتی و فرهنگی، می‌شوند. بدین ترتیب، وظیفه اصلی نظام ارتباطات ملیتی، نفوذ فرهنگی در شخصیت انسان و مقید ساختن او به منظور پذیرش ارزشهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فراملی است. به همین سبب مطالعه در نقش خبرگزاریهای بزرگ غربی در این زمینه از اهمیت فراوان برخوردار است.

به موجب نظریه مذکور، بررسی در وضع این خبرگزاریها نشان می‌دهد که «منطق بازار»، ضابطه اصلی مدیریت خبرگزاریهاست و این امر به نوبه خود، اصل آزادی اطلاعات و نیز سیاست جریان جهانی آزاد اطلاعات را، که در مقابل اصل

\* به عقیده برخی از محققان به موازات گسترش مؤسسه‌های تخصصی آگهیهای تجاری حرفه روزنامه‌نگاری هم به جای ایفای وظایف اجتماعی قبلی جهت بالا بردن آگاهیهای سیاسی و نظارت بر فعالیت‌های حکومتی، ارائه کالاهای خبری را در کنار آگهیهای تجاری و مطالب سرگرم‌کننده مکمل آنها به عهده گرفت.

مسئولیت و حاکمیت ملی قرار دارد و همچنین تخصص‌گرایی و حرفه‌ای شدن روزنامه‌نگاران را، ایجاد می‌کند. در واقع سیاست جریان جهانی آزاد اطلاعات، به خبرگزاریها امکان می‌دهد که معیارهای تشخیص اهمیت اخبار را در دست داشته باشند و نیز به آنها حق می‌دهد که رویدادهای قابل مخابره برای آگاهی جهانیان را انتخاب کنند. بدین طریق، خبرگزاریهای بزرگ، داوران تعیین‌کننده واقعیت‌های موجود جهان می‌شوند. طبق این نظریه، قدرت خبرگزاریهای بزرگ نباید در تواناییهای مالی آنها جستجو کرد. بلکه عوامل اصلی این قدرت، دست‌کارهای وقتب‌سازیهایی است که در مورد اخبار ارائه شده به جوامع معاصر، اعمال می‌کنند. به طور مثال، در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲ ه.ش.) بودجه دو خبرگزاری معروف آمریکایی «آسوشیئتد پرس» و «نیویورک تایمز» به ترتیب ۷۳ میلیون و ۵۰ میلیون دلار بوده است، که در مقایسه با عملکردهای مالی سالانه مؤسسه‌های بزرگ اقتصادی ایالات متحده آمریکا بسیار کم اهمیت جلوه می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که نقش اساسی خبرگزاریهای جهانی در داخل نظام فراطبی، همان نقشی است که چراغهای روشنایی اتومبیل در روشن ساختن راه عبور و نشان دادن علامتهای خطر، ایفا می‌کنند. این خبرگزاریها نیز مانند چراغهای اتومبیل، کوچک هستند، اما کارآیی بسیار مؤثری دارند. بدون اطلاعات گرانهای آنها، نظام سرمایه‌داری فراملی، قابلیت عملیاتی و کارآیی مؤثر خود را از دست

می دهد و در معرض برخورد با موانع غیرقابل پیش‌بینی قرار می‌گیرد.

در پس شریذ، عملکردهای گوناگون خیرگزاریهی بزرگ جهانی، با نیازها و منافع کشورهای جهان سوم و مخصوصاً مالکی که می‌کنند دگرگونیهی بزرگ بنیادی در داخل جوامع خود ایجاد کنند، مغایرت می‌یابد. این امر در طرز گزارش منفی فعالیتهای گروههای سیاسی انقلابی جهان سوم که برای سرنگون کردن نظامهای سرکوبگر یا رتجاعی وابسته به امپریالیسم مبارزه می‌کنند، به خوبی آشکار می‌شود.

به سبب خصوصیات ساختاری خیرگزاریهی جهانی، مینارهایی که این خیرگزاریهیها برای انتخاب اختیار به کار می‌گیرند، هرگز منافع و مصالح و واقعنیتهای جهان سوم را منعکس نمی‌سازند. مینارهای مذکور خود به خود و آگاهانه بر منافع سیاسی و اقتصادی نظام فراملی و کشورهای بزرگ سلطه‌گر استوار شده‌اند. به همین جهت، مکانیسم سرکوبی این نظام، بر حفظ وضع موجود و جلوگیری از دگرگونیهای اجتماعی تکیه دارد. بهترین نمونه‌های عملکرد خیرگزاریهی جهانی در این زمینه، طرز ارائه کوششهای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در مورد افزایش قیمت نفت و یا بحرانها و مناقشات داخلی کشورهای جهان سوم است.

به کار بردن عنوانها، صفتها و مفهومیهای اقتاع‌کننده، به منظور منحرف کردن توجه افکار عمومی از هدفهای واقعی نظام فراملی، نیز از جمله شیوه‌های مادی خیرگزاریهی بزرگ جهانی است. تکرار منظم عنوان «رئیس جمهوری مارکسیست شیلی» در مورد «سالوادور آلنده» رئیس جمهوری فقید این کشور، بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به صفاتی مثل صفت «کاپیتالیست» برای «ریچارد نیکسون» رئیس جمهوری وقت ایالات متحده آمریکا و یا توصیف رهبران مترقی جهان سوم به عنوان «افراطیون» یا «شورشیان» و پرهیز از ذکر عناوین و صفات مشابه درباره رهبران محافظه‌کار یا رتجاعی جهان سوم، از نمونه‌های این نوع عملکرد به شمار می‌روند.

تعریف اخبار نیز از عملکردهای خاص خیرگزاریهی بزرگ جهانی است که به صورت منظم اعمال می‌شود. پراهمیت جلوه دادن و پدیدآیی که ارزش واقعی ندارند، جعل اخبار و به هم چسباندن خیرهای پراکنده، کوچک یا بزرگ کردن رویدادها (رویدادهای مثبت یا منفی

جهان سوم)، ایجاد زمینه‌های قبلی در مورد اخبار و گزارش بعضی واقعتها با ابعاد خاص و ارائه آنها به صورت نگران‌کننده و نیز سکوت درباره رویدادهایی که برای کشورهای بزرگ سفته‌گر صاحب خیرگزاریهیها مصلوب و مساعد نیستند. از روشهای معمولی این خیرگزاریهیها در تعریف اخبار به شمار می‌روند.

### ۳- روشهای پژوهش در تصویرسازی

#### وسایل ارتباط جمعی

به موازات مطالعه در مورد ریشه‌های تاریخی و شیوه‌های استعماری تصویرسازیهای فرهنگی غربی و شناخت ماهیت امپریالیسم خبری و چگونگی عملکردهای آن در زمینه تعریف و واقعتهای اجتماعی مالک جهان سوم، بررسی در روشهای تجزیه و تحلیل تصویرسازیها و تحریف‌های وسایل ارتباط جمعی نیز ضرورت دارد. بدین ترتیب، تحقیق در چگونگی پوشش خبری انقلاب اسلامی ایران می‌تواند بر مبنای صحیح علمی ستوار شود. روشهای گوناگون تجزیه و تحلیل محتوا، که از دوره پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای غربی

زمینه تجزیه و تحلیل محتوای وسایل ارتباط جمعی غربی در مورد انقلاب اسلامی ایران نیز از روشهای مستندی بر نظرگاههای انتقادی استفاده می‌شود. بدین منظور، شیوه‌های خاصی که در دوهفته اخیر از طرف بعضی محققان اروپایی «یوهان گالتونگ» نروژی و «فیل هاریس» انگلیسی، «فرناند وریس ماتا»، «رافائل رونگا گلیولو» و «لونیس رامیرو بلتران» آمریکای لاتین در این زمینه ارائه شده، طرف توجه قرار گرفته‌اند.

در تجزیه و تحلیل‌های محققان اخیر، باتوجه به ماهیت استیلاجویانه نظام ارتباطات جهانی غربی و عملکردهای تعریف‌کننده آنها، شیوه‌های تصویرسازی وسایل ارتباط جمعی در مورد نمونه‌های گوناگونی از رویدادهای کشورهای آسیایی، افریقایی و آمریکای لاتین، بررسی شده‌اند. بر مبنای نخستین بررسی عمیق انتقادی در این زمینه، که در سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۴ ه.ش) از طرف «یوهان گالتونگ» و یکی از همکاران او راجع به «ساختار اخبار»، درباره بحرانهای کوبا، کنگو و قبرس انجام شده، پس از یادآوری مشخصات کلی برخورد‌های وسایل ارتباط جمعی در برابر



رویدادهای کشورهای «قاهر» کاتون مرکزی سلطه‌گری و سرزمینهای «مقهور» مستمراتی حاشیه‌ای، طرز تبدیل «رویدادها» به «اخبار»، اصول روانشناسی فریافت و ادراک اخبار و نیز عوامل فرهنگی تبدیل «رویدادها» به «اخبار»، استخراج و تشریح شده‌اند. در مقدمه گزارش این تحقیق، با ارائه نمودار و ریزه‌ای، مراحل گوناگون و پیاپی «وقوع رویدادهای جهانی»، «فریافت رویدادها از طریق

معمول شده و در بسیاری از پژوهشهای مربوط به وسایل ارتباط جمعی نیز به کار رفته‌اند، مانند اکثر مطالعات و تحقیقات ارتباطی غربی، بر اصول تجریمی معمول در غرب استوار می‌باشند و با دیدگاههای انتقادی جدید، در مورد عملکردهای سلطه‌گرانه امپریالیسم خبری انطباق ندارند. به همین سبب، همان‌گونه که درباره سوابق تاریخی تصویرسازی و ساختار و ماهیت نظام ارتباطات جهانی، به مطالعات انتقادی استناد شده است، در

بیل ارتباط جمعی»، «انتخاب و تحریف  
بار»، «تصویر در وسایل ارتباط جمعی»،  
سویدر در میان مخاطبان»، «انتخاب و تحریف  
بند از طرف مخاطبان» و «فرایند عمومی»  
یک شده اند.

سپس در شرح گزارش، عناصر مختلف  
تناسلی فرایافت و ادراک اخبار شامل «تکرار  
بدها»، «عظمت رویداد» (باتوجه به شدت  
سمت مطلق یا افزایش آن)، «صراحت و عدم  
نام رویداد»، «برمعنایی رویداد» (براساس  
مداری و مجاورت فرهنگی و نیز مقتضیات  
س)، «هماهنگی رویداد» (بر مبنای تصویرهای  
نسبی قبلی و انتظارها)، «عدم انتظار  
داد» (باتوجه به قابل پیش بینی نبودن و نادر بودن  
«تداوم رویداد»، «ترکیب رویداد» بررسی  
اند.

در کنار عناصر مذکور، عوامل فرهنگی تبدیل  
بدها»، به «اخبار»، مشتمل بر  
به مداری» (توجه به ملتهای نخبه، خلقهای  
، رویدادهای نخبه مدارانه)، «شخص مداری»  
از آرمانگرایی فرهنگی، نیاز هویت جویی،

بازار جهانی تولید و پخش اخبار در  
بصار چهار خبرگزاری بزرگ غربی  
ست، این خبرگزاریها بیش از ۹۰  
صد خبرهای دنیا را تهیه و پخش  
کنند.

رار فراوان، تمرکز مبنی بر نخبه مداری  
ساختاری باتکنیکهای نوین ارائه اخبار، ناشی  
شود) و «منفی نمایی» (به سبب ورود آسان  
ر منفی در مجراهای خبری قارضاء عنصر تکرار،  
آسان تراک و بیاه خبرهای منفی، انضاق  
ر خبرهای منفی با تصویرهای ذهنی معاصر  
رقابل انتظار بودن اینگونه خبرها)، نیز ارائه  
اند.  
برخی از پژوهشگران انتقادگر دیگر، بر مبنای

روش تحقیق «یوهان گالتونگ»، آثار و عوارض  
قدرت سلطه گرانه نظام ارتباطات جهانی غرب در  
تشدید وابستگی ارتباطی و خبری جهان سوم را مورد  
بررسی قرار داده اند و با مطالعه در عملکردهای  
فرامبتنی ارتباطی و از آن جمله خبرگزاریهای جهانی  
و شبکه های بزرگ رادیو و تلویزیونی و مضیجات  
فراگیر بین المللی، در مورد سیاست نو استعماری  
جریان آزاد اطلاعات و عدم تعادل اطلاعات بین  
کشورهای پیشرفته و ممالک عقب مانده و مخصوصاً  
عدم تعادل کیفی اطلاعات، که تحریفگریها  
و تصویرسازیهای و وسایل ارتباط جمعی غربی از  
مهمترین مظاهر آن به شمار می روند، به  
نتیجه گیریهای تازه ای رسیده اند.

#### ۴- سیری در پوشش خبری انقلاب اسلامی ایران در غرب

بررسیهای جدید درباره سوابق و شواهد  
فرهنگی تاریخی و استعمار غربی، شرایط  
و خصوصیات کنونی امپریالیسم ارتباطی و خبری- که  
شده هایی از آنها یاد شدند- به طور کلی نشان  
می دهند که عدم تعادل کنونی اطلاعات بین  
کشورهای پیشرفته و ممالک عقب مانده و جریان یک  
جهتی اطلاعات، همراه با انتقال ارزشها، معیارها،  
شیوه ها و الگوهای اجتماعی و فرهنگی جوامع  
غربی، از عوامل مهم سلطه فرهنگی کانون اصلی  
سرمایه داری بر کشورهای پیرامونی جهان سوم  
می باشند و بنابر این، طبیعی است که ممالک در  
حال توسعه، برای مقابله با این شرایط و دستیابی به  
استقلال اقتصادی و فرهنگی، مبارزه کنند.

ممالک پیشرفته غربی در حال حاضر، در تمام  
مراحل تهیه و تولید و انتقال و دریافت پیامها،  
کشورهای جهان سوم را تحت وابستگی درآورده اند:  
بازار جهانی تولید و پخش اخبار، در انحصار  
چهار خبرگزاری بزرگ غربی است. این خبرگزاریها  
بیش از ۹۰ درصد خبرهای دنیا را تهیه و پخش  
می کنند و طبیعی است که در شرایط خاص انحصار  
خبرگزاریهای محتوای این اخبار با منطق خاص بازار  
و ضرورتهای اقتصادی و سیاسی آن انطباق داده  
می شوند. به همین جهت، اخبار جهانی به صورت  
کالا های قابل عرضه به بازار تولید می شوند و در میان  
این اخبار نه تنها سهم اختصاص یافته به  
رویدادهای جهان سوم بسیار محدود است، بلکه  
تصویر ارائه شده از جهان سوم، هم بر اثر خط  
مشی های مشخص گردانندگان و مخصوصاً  
دروازه بانان خبری خبرگزاریها در تحریفهای  
عمدی و سانسور و سکوت و یا تحریفهای غیر عمدی

ناشی از دیدگاههای غرب مدارانه و معیارها  
وضایضه های خاص خبری جوامع غربی، تصویری  
قالب شده و مسخ کننده است.

در مورد انتقال پیامها از کشورهای در حال توسعه  
به سایر ممالک دنیا، نیز به سبب نابرابری زیر-  
ساختهای ارتباطی و کمبود نیروی انسانی متخصص،  
کشورهای جهان سوم نمی توانند، اخبار رویدادها  
و تحولات داخلی مورد نظر خود را به سهولت به  
ممالک دیگر و به ویژه کشورهای غربی منتقل کنند  
و به همین سبب در برابر سیل جریان اخبار  
خبرگزاریهای بزرگ جهانی، که با مقاصد و اغراض  
خاص توأم هستند، ناتوان می مانند.

از لحاظ دریافت پیامها، ممالک جهان سوم،  
به علت کمبود وسایل دریافت و ضبط اطلاعات،  
قادر نیستند اخبار مورد نیاز خویش را به دست  
آورند. این امر، در همکاریهای خبری متقابل  
کشورهای جهان سوم با یکدیگر به خوبی محسوس  
است. بدین طریق، ممالک در حال توسعه، بر اثر  
کمبود اطلاعات منطبق با نیازهایشان، ناچارند به  
استفاده از اخبار خبرگزاریهای جهانی ادامه دهند  
و تردید نیست که این اخبار با کیفیتهای خاص آنها،  
همراه با ارائه تصویرهای فریبنده درباره جوامع  
غربی و ایجاد شینتگیهای افراطی به مظاهر فرهنگی  
و شیوه های زندگی مصرفی این جوامع و فراهم  
ساختن زمینه های هویت باختگی و از خود بیگانگی  
فکری، آثار و عوارض نامطلوبی در کشورهای جهان  
سوم پدید می آورند و به سلطه فرهنگی امپریالیسم  
کمک می کنند.

بنابر این، ممالک جهان سوم برای مقابله با  
سلطه فرهنگی امپریالیسم، که پس از استقلال  
سیاسی ظاهری این کشورها در دهه های اخیر،  
نوعی استعمار جدید فکری را بر آنها تحمیل کرده  
است، به مبارزات قاطعی نیاز دارند. کوششهای  
سالهای اخیر ممالک جهان سوم برای از میان بردن  
نابرابری ارتباطات و عدم تعادل اطلاعات و استقرار  
«نظم جهانی جدید اطلاعات و ارتباطات»، از لحاظ  
گسترش آگاهیهای عمومی بین المللی در برابر  
سلطه گریهای جهانی و ایجاد زمینه پیروزیهای  
نسبی، مفید و مؤثر بوده است. اما بدون سرنگونی  
رژیمهای دست نشانده و بسته و طرد کامل هرگونه  
سلطه گری جهانی، نیل به استقلال اقتصادی  
و فرهنگی، که از شرایط اصلی نظم جهانی جدید  
مورد نظر است، میسر نیست.

تجربه انقلاب اسلامی ایران، به عنوان نخستین  
انقلاب جهان سوم علیه سلطه فرهنگی امپریالیسم،

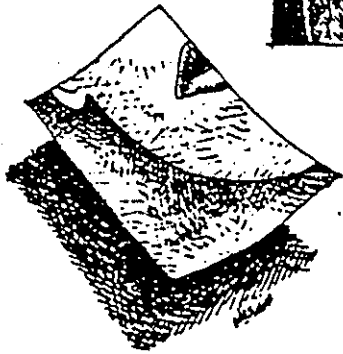


در این مورد بسیار آموزنده است. عکس‌العملهای مغرضانه و سایل ارتباط جمعی غرب علیه این انقلاب، که در تحقیق جاری تجزیه و تحلیل و در بررسی مقدماتی کنونی یادآوری می‌شوند، از نشانه‌های نگرانی امپریالیسم در برابر انقلاب ایران و احتمال توسعه آن در سایر کشورهای اسلامی و سالک دیگر جهان سوم است.

انقلاب اسلامی ایران به سبب اهمیت جهانی آن، از لحاظ وسعت پوشش خبری در سطح بین‌المللی، نمونه بی‌سابقه‌ای به شمار می‌رود. «محمد هیکل» روزنامه‌نگار معروف مصری در کتاب خود راجع به انقلاب اسلامی ایران<sup>۶</sup>، که در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰ ه.ش.) به زبان انگلیسی انتشار یافته و به فرانسه و فارسی نیز ترجمه شده است، ضمن بحث در مورد ورود امام خمینی به پاریس و تأکید بر آن به عنوان نقطه عطف انقلاب ایران، از ترجمه بی‌ نظیر مطبوعات و رادیوها و تلویزیونهای سراسر جهان به اهمیت بیانات امام و چهارصد تا پانصد مصاحبه‌ای که در طول اقامت ایشان در پایتخت فرانسه از طرف وسایل ارتباط جمعی انجام شد، یاد می‌کند و چنین استعالی رایی سابقه می‌داند (صفحه ۱۷۲، ترجمه فرانسه). جالب اینکه در جریان آخرین هفته‌های انقلاب و در طول نخستین ماههای پس از پیروزی انقلاب نیز هجیم روزنامه‌نگاران جهان برای تهیه گزارشهای خبری درباره آن، فوق‌العاده بود.

ادوارد سمید، استاد فلسطینی دانشگاه کلمبیا نیویورک و نویسنده کتاب انتقادی معروف «شرق‌شناسی»، در کتاب جدید خود در مورد «پوشش خبری اسلام»<sup>۷</sup>، به حضور سمید خبرنگار خارجی در دوره گروگان‌گیری در تهران اشاره می‌کند و «مارک کراوتز» روزنامه‌نگار فرانسوی<sup>۸</sup>، حتی تعداد خبرنگاران را در دوره مذکور در حدود پانصد نفر می‌داند.

تردید نیست که روشهای وسایل ارتباط جمعی مختلف جهان و برداشتهای انبوه فراوان خبرنگاران آنها در مقابل انقلاب اسلامی ایران و دگرگونیهای پیاپی ناشی از آن، بکناخت نبوده‌اند. بررسیهای مختلف راجع به پوشش خبری و تصویر انقلاب اسلامی ایران در وسایل ارتباط جمعی غرب، به خوبی آشکار می‌سازند که شکست برنامه‌های «نوسازی» غربی و سقوط رژیم دیکتاتوری وابسته و ایجاد تزلزل در زنجیر سلطه گری جهانی، بازتابها و برخوردهای خست‌گین و دشمنی آمیز گوناگونی نسبت به این انقلاب در میان گروههای حاکم و گردانندگان



منه‌های مطبوعاتی و شبکه‌های خبری و رادیو و تلویزیونی کشورهای سرمایه‌داری ایجاد کرده است. در حالی که در بین گروههای روشنفکران مترقی هوادار مبارزات ضد سلطه در جهان سوم و روزنامه‌ها و مجله‌های بی‌طرف، نخستین عکس‌المنها، جنبه تحسین آمیز و پشتیبانی کننده داشته است.

در این زمینه، مقاله‌ای که نشریه ماهانه «لوموند دیپلماتیک» در شماره آوریل ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ ه.ش.) به قلم «ماری-فرانس تواته» تحت عنوان «بحران در جهان سوم و اخبار در غرب: چند هفته از انقلاب ایران» منتشر کرده، جالب توجه است. در این مقاله مرزهای مشخصی بین روشهای مطبوعات دست راستی، میانه‌رو و چپ، در برابر انقلاب اسلامی ایران، ارائه شده است. به موجب مقاله مذکور، هر کدام از روزنامه‌ها و مجله‌های مورد بررسی، با توجه به وابستگیهای اقتصادی و سیاسی و خط مشی‌های خاص خود، در مقابل انقلاب موضع گرفته‌اند و در میان آنها، مطبوعات وابسته به معادل دست راستی افراطی، خصمانه‌ترین روش را دنبال کرده‌اند. همین نویسنده، در مقاله دیگری که در شماره ماه نوامبر همان سال «لوموند دیپلماتیک» راجع به شیوه‌های فریکارانانه مطبوعات آمریکا در مورد مسائل سیاسی انتشار داده، ضمن انتقاد از روش مغرضانه‌نویسه‌های مطبوعاتی بزرگ آمریکا در جریان انقلاب اسلامی ایران و مخصوصاً مسئله گروگان‌گیری، آنها را به عنوان «خودفروشیهای سیاسی» معرفی کرده است. وی همچنین در یک مقاله کوتاه معرفی و نقد

کتاب، که در شماره سپتامبر ۱۹۸۱ (۱۳۶۰ ه.ش.) همان نشریه، زیر عنوان «انقلاب ایران از دیدگاه روزنامه‌نگاران آمریکایی» درباره کتاب «پوشش خبری اسلام»، تألیف ادوارد سمید، انتشار داده، انتقادهای نویسنده کتاب را در مورد برخوردهای سطحی و یک جهتی وسایل ارتباط جمعی ایالات متحده آمریکا نسبت به انقلاب ایران، ستوده است.

باید یادآوری کرد که بسیاری از وسایل ارتباط جمعی غرب که از اواخر تابستان ۱۳۵۷ همراه با گسترش امواج انقلاب اسلامی ایران و نزدیک شدن خطر سقوط رژیم دیکتاتوری وابسته، به انتشار گزارشهای مغرضانه و قلب کننده در مورد این انقلاب دست زدند، نه تنها در دوران بیست و پنج ساله دیکتاتوری سلطنتی، راجع به ناسامانیهای داخلی ایران و اعراب و اختناق حاکم بر آن، سکوت کرده بودند، بلکه از رژیم شاه و اقدامات و برنامه‌های به اصطلاح تجدیدطلبانه و توسعه گرایانه او که در جهت تحکیم و تثبیت سیاستهای سلطه‌جویانه امپریالیستی بودند، نیز تعریف و تمجید نموده بودند. به همین جهت، در اوج جریان انقلاب و قطعیت یافتن شکست الگوها و برنامه‌های «نوسازی» غربی در ایران، هنوز هم روزنامه‌ها و رادیوها و تلویزیونهای غرب، با همان دیدگاه قبلی به وقایع جدید می‌نگریستند و از نیروهای انقلابی به عنوان مخالفان توسعه و پیشرفت ایران یاد می‌کردند و رهبران انقلابی مذهبی را محافظه کار و مرتجع معرفی می‌نمودند.

«نوام چامسکی» جامعه‌شناس و زبان‌شناس



معروف آمریکایی، در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ ه. ش.) در جلد یکم کتاب دو جلدی جدید خویش به نام «اقتصاد سیاسی حقوق بشر» (جلد یکم - سدوست واشنگتن و ناشریه جهان سوم، جلد دوم - پس از مصیبت بزرگ: هندوچین بعد از جنگ و بازاریابی اینستونوزی امپراتوری)، ضمن بحث راجع به نقش جدید وسایل ارتباط جمعی غرب در حفظ رژیمهای فاشیستی وابسته به آمریکا در جهان سوم، چنین یادآور می‌شود: «... در وسایل ارتباط جمعی، بیشتر برجسته‌های ظاهراً مثبت رژیمهای وابسته تأکید کرده و جنبه‌های منفی آنها را سانسور می‌کنند... هدف اصلی وسایل ارتباط جمعی آن است که تصویر این رژیمها، بدون آن که در اساس آنها تغییری حاصل شود، خوب جلوه داده شود، تا بدین ترتیب، با ایجاد سازگاری سیاسی در مورد رژیمهای فاشیستی و ادامه سلطه پدروخوانده آمریکایی آنها، وضع موجود حفظ شود... نمونه شگفت‌انگیز این شیوه‌ها را در مورد ایران می‌توان مشاهده کرد... زمانی که برخلاف هرگونه انتظار، مردم ایران برای انجام تظاهرات علیه رژیم وحشت و اعدام شاه به خیابانها ریختند، «مطبوعات آزاد» و سازشکار غرب، این جبار سفاک را به عنوان یک «رهایی بخش» بزرگ که کوشش می‌کند کشور عقب‌مانده خود را، با وجود مخالفت مذهبیهای متعصب و دانشجویان چپ، از تمام مزایای نوسازی برخوردار سازد، معرفی می‌کردند. در همین زمان، مجله «نیوزویک» از تظاهرکنندگان به عنوان «ائتلاف غیر قابل تصور مسلمانان تشری و افراطیون چپ» (شماره ۲۲ مه ۱۹۷۸) نام می‌برد و مجله «تایم» اضافه می‌کرد که «شاه مورد حمایت

معروف آمریکایی، در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ ه. ش.) در جلد یکم کتاب دو جلدی جدید خویش به نام «اقتصاد سیاسی حقوق بشر» (جلد یکم - سدوست واشنگتن و ناشریه جهان سوم، جلد دوم - پس از مصیبت بزرگ: هندوچین بعد از جنگ و بازاریابی اینستونوزی امپراتوری)، ضمن بحث راجع به نقش جدید وسایل ارتباط جمعی غرب در حفظ رژیمهای فاشیستی وابسته به آمریکا در جهان سوم، چنین یادآور می‌شود: «... در وسایل ارتباط جمعی، بیشتر برجسته‌های ظاهراً مثبت رژیمهای وابسته تأکید کرده و جنبه‌های منفی آنها را سانسور می‌کنند... هدف اصلی وسایل ارتباط جمعی آن است که تصویر این رژیمها، بدون آن که در اساس آنها تغییری حاصل شود، خوب جلوه داده شود، تا بدین ترتیب، با ایجاد سازگاری سیاسی در مورد رژیمهای فاشیستی و ادامه سلطه پدروخوانده آمریکایی آنها، وضع موجود حفظ شود.»

قسمت اعظم جمعیت ایران است». (شماره ژوئن ۱۹۷۸)... در صفحات مطبوعات بزرگ آمریکای جنوبی یک مقاله ونیزیک گزارش هر نمی توان یافت که در آن برای معرفی شاه، کلمه «دیکتاتور» به کار رفته باشد. وسایل ارتباط جمعی، به ادامه فساد و شدت ترور و شکنجه، عوارض مخارج افسانه‌ای تسلیحاتی (پلیس و ارتش احتمالاً تنها بخشهای جامعه ایران هستند که می‌توان کاملاً آنها را «مدرنیزه» تلقی کرد) و نتایج بدفرجام اصلاحات ارضی و برنامه‌های شهرسازی بر زندگی اکثریت مردم، به ندرت اشاره می‌کنند.

چامسکی در پایان این بخش کتاب، از سیاست فریبکارانه حقوق بشر «کارتر» رئیس جمهوری وقت ایالات متحده که همزمان با قتل عام صدها تظاهرکننده ایرانی با سلاحهای آمریکایی، از «رهبری پیروزمندانه شاه» حمایت می‌کرد و از ایران به عنوان «جزیره ثبات در یکی از پراشورترین مناطق دنیا» نام می‌برد، به شدت انتقاد می‌کند و سند و بست حکومت واشنگتن و وسایل ارتباط جمعی آمریکا برای حفظ رژیمهای وابسته را که به رغم تمام ادعاهای «سیاست حقوق بشر» همچنان با ارائه گزارشهای مثبت و وعده‌های لفظی رهبران این رژیمها و کوچک نمایاندن رنجها و مصیبتهای قربانیان ترور و وحشت، دنبال می‌شود، باعث «... کمک رساندن به دشمنان و نه یاری دادن به قربانیان...» معرفی می‌کند (صفحات ۳۹۱ تا ۳۸۳ ترجمه فرانسه کتاب).

دومحقق دانشگاهی فرانسوی، به اسامی «گریسیان برومبگر» و «ژان پزیگار» در مقاله‌ای انتقادی، که تحت عنوان «برخورد غیرمنطقیها» (نشریه «لوموند دیپلماتیک» شماره مارس ۱۹۸۰) درباره بازتاب انقلاب ایران نوشته‌اند با اشاره به «حیرت و ششم و عکس العمل پرخاش آمیز» بسیاری از وسایل ارتباط جمعی غرب در برابر این انقلاب و یادآوری بعضی از اتهامهای مفرضانه آنها مانند «رفتارهای هیجان آمیز جمعیتهای پرتعصب»، «بازگشت به فزون و سطا»، «لطامت غیرقابل قبول به قواعد بین‌المللی»، علل این خشم و ناسازگویی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. دو نویسنده مذکور در این باره یادآور شده‌اند: «... انقلاب ایران، هم عاداتهای فکری و برداشتهای معمولی تحلیلیگران و هم توازن دویسوک رابه هم زده است. الگوهای کلاسیک - یا به عبارت بهتر، دگماتیک - بیش از پیش، در تشریح پیچیدگی و اصلت این جنبش، احساس عجز می‌کنند. این جنبش نه یک مانور

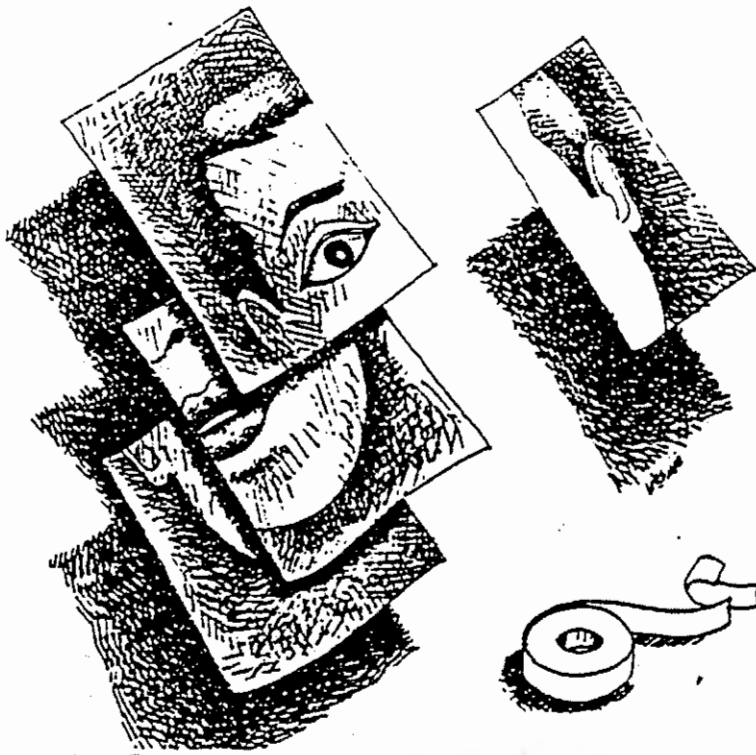
امپریالیستی است و نه یک پیروزی قشرهای پرولتاریایی کارگران و دهقانان بلکه بیشتر اتحاد غیر رسمی و خود به خود مذهبیها و بورژوازی کوچک و متوسط... است که دیکتاتوری شاه را سرنگون کرد...»

نویسندگان مقاله سپس از اظهار نظرهای یک جانبه بعضی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان غربی برای «غیرمنطقی» جلوه دادن این انقلاب و نیز از برداشتهای دگماتیک گروههای چپ، در مورد جنبه‌های مذهبی «تاکتیکی» و «موقتی» انقلاب اسلامی انتقاد و در این باره حساسیت دمت اول را نتیجه از دست رفتن مزایای اقتصادی قراردادهای افسانه‌ای رژیم شاه با دولتهای غربی و کوشش رژیم انقلابی جدید برای نیل به استقلال اقتصادی ایران و حساسیت دمت دوم را ناشی از تعارض انقلاب اسلامی، با تجزیه و تحلیل‌های قالبی ایدئولوژیکی آنها، معرفی کرده‌اند. در پایان مقاله نیز نویسندگان، بر خصوصیات روحی و فرهنگی غرب مدارانه گردانندگان وسایل ارتباط جمعی کشورهای اروپایی و آمریکایی در برخورد با انقلاب ایران تأکید ورزیده‌اند.

یک محقق معروف بلژیکی الاصل، به نام «آرمان مالاتا» که سالها در شبلی و سایر کشورهای امریکای لاتین به مطالعه و تحقیق در مورد امپریالیسم فرهنگی و ارتباطی اشتغال داشته است و اکنون علاوه بر تدریس در دانشگاه پاریس، مدیریت گروه ارتباطات دانشگاه «رن» را هم به عهده دارد، در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ ه. ش.) در یکی از آخرین کتابهای خود به نام «کاربرد وسایل ارتباط جمعی در زمان بحران»، ضمن انتقاد از شیوه‌های غیرعادی ارتباطات جمعی غرب در برابر جنبشهای انقلابی جهان سوم، به انقلاب اسلامی ایران اشاره کرده و چنین یادآور شده است: «... به محض آنکه کشوری به یک دگرگونی انقلابی دست می‌زند، با یک نوع کنجکاو حیل‌گرانه و با تهیه مقدمات قبلی و ایجاد زمینه‌های مناسب، به تجاوز علیه حقوق بشر منتهم می‌شود. هنگامی که یک کشور حاشیه‌ای وارد میدان دگرگون‌سازیهایی می‌شود، اخبار وسایل ارتباط جمعی ناگهان در مورد آن افزایش پیدا می‌کنند و برجسته‌های خاصی از «واقعیت» که به تمام واقعیت تبدیل می‌شود، تمرکز می‌یابند. برای بی اعتبار کردن یک واقعیت مهم خارجی همچون انقلاب ایران در ظرف چند روز و با چند کلمه، تحت عنوان «انقلاب فتایم ایران»، اتفاق نظر پدید می‌آید...»

### نوآم چامسکی:

«در وسایل ارتباط جمعی بیشتر برجسته‌های ظاهراً مثبت رژیمهای وابسته تأکید شده و جنبه‌های منفی را سانسور می‌کنند تا بدین ترتیب با ایجاد سازگاری سیاسی در مورد رژیمهای فاشیستی و ادامه سلطه پدروخوانده آمریکایی آنها، وضع موجود حفظ شود.»



مکن "مستنداتی عرب مدارانه و سایل ارتباط  
 س مذاک رویای غربی و آمریکای شمالی در  
 انقلاب ایران از طرف نویسندگان و محققان  
 بر نیز یاد شده است. «ژان فرانسوا آکان»  
 نامه نگار فرانسوی، مدیر سابق روزنامه  
 «اتن» پاریس و مدیر کنونی هفته نامه «رویداد  
 جشنه»، در یک سخنرانی که در سال  
 ۱۳۶۱ ه.ش. در سمینار «تصمیم گیری  
 در جامعه فرانسه»، تحت عنوان «عقیده پیش  
 سیر ایجاد می شود» ایراد کرد، ضابطه های  
 است اخبار را مورد بررسی قرار داد و ضمن آن از  
 های قوم مداری و تبعیض گرایی مطبوعات فرانسه  
 ست به ملل جهان سوخت، انتقاد کرد. وی در این  
 سخنرانی یادآور شد: «... تصورات ذهنی قبلی  
 می میراث تاریخی، در تعیین اهمیت اخبار نقش  
 می دارند. در سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷ ه.ش.) در  
 زمان دو واقعه مهم روی دادند. یکی از آنها  
 باران بیروت از طرف سوریه و دیگری سرکوب  
 یونین تهران (وقایع جسمه سیاه،  
 شهریور ۱۳۵۷) بود که به قتل سه هزار نفر منتهی  
 شد. اما شیوه گزارش این دو واقعه، در مطبوعات  
 فرانسه، با اهمیت واقعی آنها متناسب نبود.  
 روزنامه های پاریس درباره واقعه بیروت مطالب  
 متعدد و تفسیرهای بیشتری انتشار دادند و درباره آن  
 بیجان قابل ملاحظه ای در میان افکار عمومی  
 انگیزتند. در حالی که پوشش خبری و طرز ارائه  
 وقعه تهران با تعداد فراوان کشته شدگان و هیجان  
 بسیار عظیمی که در داخل ایران پدید آورد، هیچ  
 پاسی نداشت و امروزه خوبی می دانیم که نبرد  
 بیروت، با تمام جنبه های غیر قابل قبول و موحر آن،  
 بیش از شصت کشته به جا نهاده بود. وی در  
 تنبأ سخنان خود، توجه بیش از حد مطبوعات  
 پاریس به واقعه لبنان، را نتیجه همبستگیهای  
 مذهبی و فرهنگی «فرانسویها» و مسیحیان لبنان  
 و سابق استعمار فرانسه در سوریه و لبنان، شناخت  
 روی اعتنایی آنها به واقعه قتل عام تهران را، در میان  
 نبودن عوامل مذکور در مورد ایران معرفی کرد.»  
 «رژری دبره»، نویسنده انقلابی معروف فرانسه،  
 در مورد تحقیر و سایل ارتباط جمعی غرب نسبت به  
 مثل جناب سوه، یکی از تندترین انتقادها را بیان  
 کرده است. وی در کتاب جدیدی تحت عنوان  
 «اسکریب» (دبیر و نویسنده)، که در سال  
 ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ ه.ش.) در انتقاد از روشنفکران  
 غربی نوشته است، در این باره چنین  
 می نویسد: «... در کره زمین واقعاً، وضع خوبی

ایجاد شده است. بهترین مراکز انباشت سرمایه،  
 بهترین مراکز ارتباطات را هم تشکیل می دهند  
 و «دبیرهای» غرب، به راحتی بین شرق و غرب رفت  
 و آمد می کنند، بدون آنکه مجبور باشند در محور  
 شمال-جنوب، شرایط نامطلوبی را تحمل کنند  
 (مگر در مواقعی که برای «برنز» شدن در فصل  
 زمستان، به سوی سواحل جنوب می روند). این گونه  
 راهگشایی سعادت آمیز در صحنه فرهنگی  
 بین المللی، اندیشمندان ما را از دیدنهای ناخوشایند  
 و یا برخی صحنه های ناراحت کننده، مصون  
 می دارد. همان طور که برای نرخ گذاری مرغ  
 و شکر، در بورسهای لندن تصمیم گیری می شود و نه  
 در زامبیا و کویا. که وضع آنها به این مواد وابسته  
 است. توزین کنندگان رنجها و خود کامگیهای  
 جهانی در بازار آزاد بشر دوستی، نیز، در کلان  
 شهرهای شمال تراکم یافته اند و این وضع بر روند  
 کنونی اوزان و مقیاسها بی تأثیر نیست... وی  
 سپس در زیر نویس کتاب، در همین زمینه اضافه  
 می کند: «... امروزیک اروپایی تقریباً برابر یک  
 صد سیاه آفریقایی ارزش دارد. همان گونه که  
 با توجه به حجم کلمات و تصویرها و اصوات  
 اختصاص یافته به اخبار انقلاب ایران در وسایل  
 ارتباط جمعی پایتختهای حبشبت انسانی، ارزش  
 یک ژنرال شکنجه گر ایرانی، که علناً از طرف رژیم  
 انقلابی جدید اعدام شده است- برابر پنج هزار  
 مبارز ایرانی است، که هر یک پس از چندین هفته  
 شکنجه غیر قابل وصف، مخفیانه به وسیله رژیم  
 «یک دوست بزرگ غرب» اعدام شده اند.»<sup>۱۲</sup>

نویسنده مذکور، در آخرین کتاب خویش به نام  
 «قدرت و رؤیاهای آن»، که در سال  
 ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ ه.ش.) در پاریس انتشار یافته  
 است، با اشاره به عکس المنهای تازه فرهنگیهای  
 سنتی و مذهبی جوامع جهان سوم علیه الگوهای  
 توسعه و نسازی غربی و تأکید بر فروپاشی سیاسی  
 کنونی دنیا در مقابل سلطه گری اقتصادی  
 همگونی ساز غربی. و شکل گیری یک  
 «معارضه جویس جهانی»، واقعی و نیز انتقاد از  
 کویته بینهای لیبرال مآبانه مدافعان «جوامع صنعتی»  
 و «تیمه» جهان سوم در برابر واقعیتهای امروز،  
 می افزاید: «... شاه ایران و حامیان او گمان  
 می کردند با صنایع جدید، تسلیحات نظامی،  
 بزرگراهها و تورسیم، کاری جدی و نوسازانه انجام  
 می دهند. آنها درباره رهبران مذهبی، دارای  
 قضاوتهای فولکلوریک بودند. در این موقع بود که  
 منطق فرهنگ بر اقتصاد حتی بر نیروی نظامی غلبه  
 کرد و یک انفجار کهن بنیان با دستهای خالی و با  
 فریادهای «الله اکبر»، پنجمین ارتش جهان را  
 مطلوب ساخت...»<sup>۱۳</sup>  
 وسایل ارتباط جمعی غربی علاوه بر  
 تحریفگرهای ریشه دار حساب شده ای که تحت  
 تأثیر شرایط تاریخی گذشته و اوضاع و احوال  
 سفته گرانه کنونی، انجام می دهند، بر اثر ضرورتهای  
 تجارسی در کار پیام رسانی به بازار جهانی  
 نیز، شیوه های خاص شتابزدگی و سطحی نگری را در  
 برخورد با سایل فرهنگی و اجتماعی جهان سوم  
 دنبال می کنند. مصادیق چنین شیوه هایی در مورد

3. Louis Althusser - "Ideologie et Appareils Ideologique d'Etat" - La Pensée, No. 151, 1970, PP. 3 - 38.

4. Juan Somavia - "The Transnational Power Structure and International Information: Elements of a Third World Policy for Transnational News Agencies" - Development Dialogue, No. 2. 1976, PP. 15 - 28.

5. Johan Galtung and Mari H. Ruge - "The Structure of Foreign News: The Presentation of the Congo, Cuba, and Cyprus Crisis in Four Foreign Newspapers" - Journal of International Peace Research, Vol. 2, No. 1, 1965. PP. 61. 90.

6. Mohammed Heikal - The Return of the Ayatollah: The Iranian Revolution from Mossadeq to Khomeini - London: A. Deutsch, 1981 (Fr. traduction: Khomeini et sa Revolution - Paris: les editions jeune Afrique, 1983)

7. Edward W. Said - Covering Islam: How the media and the experts determine, how we see the rest of the world - New York: Pantheon Books, 1981, PP. XI, XII.

8. Marc Kravetz - "Entre Rouletabille et la faussaire", in *Comment va la presse?* - Paris: Centre Georges Pompidou, 1982, PP. 85, 86.

9. Noam Chomsky, and Edward S. Herman - The Political Economy of Human Rights: Vol. 1. The Washington Connection and Third World Fascism, Vol. 2. After the Cataclysm: Postwar Indochina and the Reconstruction of Imperial Ideology Boston: South End Press, 1979.

10. Armand Mattelart et Michele Matte-lart- De l'usage des Medias en Temps de Crise: les nouveaux profils des industries de la culture - Paris: Alain Moreau, 1979, P.P 50 - 53.

11. Jean Francois Kahn - "L'opinion Precede l. information", in *Comment va la Presse?* - Paris: Centre Georges Pompidou, 1982, P.P. 12 - 13.

12. Regis Debray - Le scribe: Genese du Politique- Paris: Grasset, 1980.

13. Regis Debray - La puissance et ses revez - Paris: Gallimard, 1983, PP. 114, 145.

14. Anthony Smith - The Geopolitics of Information: How Western Culture Dominates the World? - London: Faber and Faber, 1980, PP. 59, 98, 99.

15. Unesco - Voix Multiples, un seul monde: Communication et societe, aujourd'hui et demain - Paris: Documentation Francaise, Nouvelles Editions Africaines, Unesco, 1980, P.P. 194 - 198.

عدم وضوح و یا دگرگون شده، از واقعیتها و رویدادها و موقعیتها دریافت می کنند، تحت تأثیر قاطع برداشت کسی است که درباره اساس خبر و طرز ارائه و انتقال آن تصمیم می گیرد. توصیف این امر به صورت قابل تبیین همگان، به سبب گوناگونی برداشتها، دشوار است. در عین حال، نمونه مربوط به طرز پوشش خبری مطبوعات از رویدادهای اخیر ایران می تواند در این باره، اندیشه ای به دست دهد. به نوشته مجله «کلبیا جورنالیزم»، در شماره ژانویه-فوریه ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ ه.ش.) آن، «... اکثریت بزرگ وسایل ارتباط جمعی، آمریکابه طور معمول، مبارزات عمومی ایران را به جای آنکه مطابق انتظار، به عنوان عکس العمل مردم به تنگ آمده از یک رژیم سرکوب کننده معرفی کنند، بیشتر به عنوان نتیجه فعالیت های رهبران مذهبی متعصب و همنست با مارکسیستهای فرصت طلب، توصیف کرده اند. به همین جهت، مطبوعات به ارائه اندیشه های نادرست به افکار عمومی آمریکا کمک کرده و دامنه مباحثات درباره این بحران قابل پیش بینی برای سیاست خارجی آن کشور را محدود ساخته اند...»<sup>۱۵</sup>

بررسیهای جاری در زمینه پوشش خبری و تصویر انقلاب اسلامی ایران در وسایل ارتباط جمعی غرب، از برخورد های تحقیرکننده و سلطه گرانه و شیوه های مفرضانه و تحریف کننده آنها در این مورد، نمونه های فراوانی به دست خواهد داد.

لاب اسلامی ایران فراوانند. به طوری که طبق گفته «ادوارد سمید» در کتاب «پوشش خبری»، اکثر «گارتستان خبری» منسبه های بزرگ سطح جمعی ایالات متحده آمریکا در خبرها و مقاله های گوناگونی که به مناسبت وقوع انقلاب، درباره ریشه های اسلامی این انقلاب تهیه کردند، به علت عدم شناخت عمیق از این زمینه، گاههای قالبی وسطی خود را به مخاطبان عرضه کردند. وی در همین مورد، ضمن یادآوری هجوم ها خبرنگار آمریکایی در جریان گروگان گیری تهران، از این که هیچ کدام از آنها به زبان بومی و فرهنگ اسلام و ایران آشنایی نداشتند، یاد کرده است.

«آنتونی اسمیت»، محقق انگلیسی ارتباطات جمعی هم در کتابی به نام «ژئوپولیتیک اطلاعات: گونه فرهنگ غرب بر جهان سلطه گری دارد»، که سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ ه.ش.) در لندن انتشار داده شیوه های روزنامه نگاری هبجان انگیز بحال آور غربی و بی اعتنایی آن نسبت به واقعیتها و نیازهای ممالک در حال توسعه، به انتقاد اخته و طرز پوشش اخبار انقلاب اسلامی ایران از ف وسایل ارتباط جمعی غرب را بهترین نمونه ن گونه روزنامه نگاری «استثناء ها» و «بحرانها» نسته است.<sup>۱۶</sup>

به طور کلی، تصویر پردازها و قالب سازها تحریفگرهای وسایل ارتباط جمعی غرب در زمینه انقلاب اسلامی ایران از جمله نمونه های کم سابقه شاید بی سابقه برخورد های آنها با وسایل جهان سوم سالهای اخیر به شمار می روند. به همین سبب، کمیون بین المللی یونسکو برای مطالعه مسایل ارتباطات که در سالهای ۱۹۷۸ (۱۳۵۷ ه.ش.) ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ ه.ش.) با همکاری شانزده محقق کشور از سراسر دنیا، در زمینه های گوناگون ارتباطات و اطلاعات به تحقیق پرداخت. در گزارش نهایی خود، از تحریفگرهای وسایل ارتباط جمعی غرب در مورد انقلاب ایران به عنوان یک نمونه مهم جهانی یاد کرده است. این کمیون در فصل دوم از قسمت سوم گزارش مذکور، که به خصوصیات خاص هر محتوای ارتباطات اختصاصی یافته، طی بحث درباره «تحریفهای محسوسا»، چنین نوشته است: «... از آنجا که بیبیت مطلق وجود ندارد، صحت اخبار احتمالاً بیش از آن که یک کسبیت قابل اندازه گیری باشد، یک مسئله قضاوت ذهنی و نقطه نظر شخصی است. صوری که شنونده یا بیننده، به صورت روشن، یا

پانوشتها

1. R' Aron - Les Etapes de la Pensée Sociologique - Paris: Gallimard, 1967. PP. 511 - 517.

Julien Freund - Sociologie de Max Weber - Paris: P.U.F., 1966. PP. 61 - 68.

2. Theodore W. Adorno - "L'Industrie Culturelle" - Communications, No. 3. 1964. PP. 12 - 18.